

سفر به دور دنیا برای دستیابی به نسخ خطی روایات امیرالمومنین (ع)



به مناسبت ایام شهادت امیر المومنین علی علیه السلام در گفتگو با استاد ارجمند حجت الاسلام و المسلمین **سید محمد طباطبایی یزدی** فرزند مرحوم آیت الله محقق طباطبایی (ره) پیرامون کتاب «فضائل امیر المومنین (ع)» که با همت ایشان به زیور طبع آراسته گردید رسیده ایم و آنچه می خوانید ماحصل این گفتگو می باشد:

*** در ابتدا معرفی اجمالی از شخصیت مرحوم علامه محقق سید عبدالعزیز طباطبایی یزدی داشته باشید.**

بسم الله الرحمن الرحيم. مرحوم «سید عبدالعزیز طباطبایی یزدی» (ره) از نوادگان مرحوم آیت الله العظمی «سید محمد کاظم یزدی» صاحب "عروة الوثقی" و از جهت مادری و پدری به صاحب عروه متصل بودند. ایشان در نجف اشرف به دنیا آمده و در محیط علمی این شهر مقدس پرورش یافتند، از محضر عالمان بزرگی همچون مرحوم آیت الله العظمی خوئی (ره) و آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی (ره) بهره بردند.

*** ایشان از کدام یک از شخصیت های بزرگ علمی نجف بیشتر متأثر بودند؟**

دو شخصیت علمی نجف بر شخصیت محقق طباطبایی تأثیرگذار بودند، یکی شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب "الذریعه" - که هر چه زمان می گذرد اهمیت و جایگاه این شخصیت بزرگ بیشتر برای دیگران مشخص می شود، چنان که در زمان حیات اهمیت کارشان برای برخی به روشنی مشخص نبود و گمان می کردند ایشان بین کتابها نشسته است و مطالبی می نویسد. بعدها کتاب الذریعه ایشان مرجع قریب به اتفاق همه پژوهش های اسلامی شد - و دیگری هم مرحوم آقا شیخ عبدالحسین امینی صاحب کتاب گرانسنگ "الغدیر" است.

مرحوم والد ۲۵ سال با این دو شخصیت بزرگ محشور بوده‌اند. منزل شیخ آقابزرگ دقیقاً مقابل منزل شخصی ایشان بود و محقق طباطبائی همچنان که در کتابخانه علامه امینی مشغول به شناسایی نسخ خطی بودند، نسخه‌ها را به محضر شیخ آقابزرگ طهرانی می‌بردند و در محضر ایشان شاگردی می‌کردند.

حتی به گونه‌ای بود که محقق طباطبائی در پژوهش‌های حدیثی و نسخه‌شناسی‌ها، رابط بین این دو شخصیت بزرگ بودند. همچنین طی سفرهایی که به ایران، سوریه و ترکیه داشتند؛ برای علامه امینی و شیخ آقابزرگ طهرانی منابع خطی از کتابخانه‌های مختلف عکسبرداری یا استنساخ می‌کردند و برای الغدیر و الذریعه به اساتید خود می‌رساندند.

این دو دانشمند ربانی، بر شخصیت مرحوم والد خیلی تأثیر گذاشتند. بعد فوت شیخ آقابزرگ در سال ۱۳۸۹ و علامه امینی در سال ۱۳۹۰ - یعنی در فاصله حدود شش ماه - سعی مرحوم والد بر این شد که راه این دو استاد را با همان سبک و سیاق ادامه دهد و لذا بیشتر آثار بر جای مانده از مرحوم محقق طباطبائی تکمله و حاشیه‌ای بر آثار علامه امینی و شیخ آقابزرگ طهرانی، یا در همان موضوعات کاری آنها و در راستای اهداف علمی آنان است.

دو کتاب اصلی آقابزرگ، "الذریعه الی تصانیف الشیعه" کتاب‌شناسی علمای شیعه و دیگری "طبقات اعلام الشیعه" شرح‌حال طبقه به طبقه و قرن به قرن علمای شیعه است. بخش عمده کار محقق طباطبائی ادامه حیات علمی آقابزرگ طهرانی در این دو پروژه بود.

چنانچه مستحضر هستید، کتاب الذریعه به صورت یکجا به چاپ نرسید و مجلد به مجلد چاپ شده است. تعدادی از مجلدات آن در نجف اشرف چاپ شد و تعدادی دیگر را مرحوم شیخ آقابزرگ به تهران فرستادند که پسر ایشان دکتر علی‌نقی منزوی و مجلدات بعد را فرزند دیگرشان احمد منزوی در تهران به طبع و نشر رساندند.

همین موضوع سبب شد که چاپ با مشکلاتی همراه شود و تغییر و تصرفاتی در آن حاصل شد که شیخ آقابزرگ از این موضوع ناراحت بودند و مرحوم محقق طباطبائی به لحاظ مشکلاتی که روی الذریعه پیش آمد؛ کارهایی روی الذریعه انجام دادند. ابتدا مستدرک الذریعه را گردآوری کردند، ۱۱ هزار فیش تحقیقاتی ایشان محصول این کار است. متأسفانه در اواخر عمرشان بیماری قلبی و تنگی نفس مانع شد که ایشان با خیال راحت بتوانند کار را ادامه دهند.

کار دیگر ایشان که خیلی مهم است به نام "أضواء علی الذریعه" که این را به دلیل احترامی که برای الذریعه دارند این طور نام گذاری کرده‌اند. یعنی نمی‌خواستند بگویند که الذریعه خطا دارد بلکه می‌خواهیم روشن‌تر شود.

الآن در هر کتابخانه دنیا که بروید برای مطالعات اسلامی شما را به قفسه کتب شیعه که راهنمایی می‌کنند آنجا کتاب الذریعه را معرفی طایفه شیعه می‌بینید. این کتاب همه میراث علمی، دینی، فرهنگی و ادبی شیعه را با استناد به نسخ خطی و آثار چاپ شده معرفی کرده و به عبارتی شناسنامه میراث ما است.

همچنین الذریعه مأخذ و منبع کتابها و مقالات و تمامی پژوهش‌هایی است که به نوعی با میراث علمی شیعیان مربوط باشد. متأسفانه چاپ این اثر در زمان و شرایطی بود که اشتباهات زیادی داشت، با این حال هر زمان که می‌خواهند الذریعه را چاپ کنند یا چاپ قدیمی را افسست می‌کنند و یا از روی همان چاپ، با همان اغلاط حروف‌چینی می‌کنند.

مرحوم محقق طباطبائی هم بر اساس احساس وظیفه و احترامی که به شیخ آقابزرگ داشت، الذریعه را خط به خط از اول مطالعه و روی آن کار کردند و همه اغلاط را اعم از اغلاط علمی و مطبعی تصحیح نمودند.

همچنین اطلاعات بسیار زیادی را درباره همان مدخل‌ها که در الذریعه آمده است در حاشیه و در فیش‌های جداگانه‌ای افزودند که مجموع این تعلیقات عنوان «أضواء علی الذریعه» را گرفت.

*** نوع تصحیحات مرحوم محقق طباطبائی بر این کتاب شامل چه مواردی بود؟**

مثلاً کتابی که متعلق به نویسندگانی سنی مذهب است و در الذریعه جزو نویسندگان شیعه شمرده شده است، چرا که «الذریعه» کتاب‌شناسی شیعه است نه اهل سنت؛ و گاه تاریخ تولد یا وفات شخصیتی اشتباه نقل شده بود یا اینکه بر اساس پژوهش‌های جدیدتر به نتایج دیگری حاصل می‌شد، این موارد را مرحوم محقق طباطبایی اصلاح کردند.

همچنین با سفرهای علمی بسیار زیادی که محقق طباطبائی داشتند؛ نسخه‌های خطی بی شماری در کتابخانه‌های دنیا - از کتابخانه‌های بزرگ گرفته تا مجموعه‌های شخصی کوچک - دیدند، در نتیجه نسخه‌هایی شناسایی شد که مرحوم آقابزرگ طهرانی ندیده بودند و اینها نیز در همین کار بر الذریعه افزوده شده است.

مرحوم علامه شیخ آقابزرگ طهرانی در شرایطی الذریعه را آغاز کرد که هیچ فهرست نسخ خطی در دست نداشت و اولین فهرس نسخ خطی ایران یعنی مجلدات اول آستان قدس رضوی و مجلس شوارکی ملی در تهران، بعد از آن منتشر شدند.

انتشار فهرس نسخ خطی در سالهای بعد، برای ادامه حیات الذریعه بسیار مهم بود و محقق طباطبائی با تلاش برای شناسایی نسخ خطی تقریباً همه فهرس نسخ خطی را چه از کشورهای اسلامی و چه از کشورهای دیگر منتشر شده بود؛ در حد کمال توان خود دنبال کرده و خط به خط مطالعه نمودند تا کتابشناسی شیعه را تکمیل کنند.

در حاشیه فهرست‌هایی که اکنون در کتابخانه محقق طباطبائی وجود دارد، می‌توان دید که ایشان از سویی دنبال میراث علمی عالمان، ادیبان، محدثان و دانشمندان شیعه بودند و از سویی فضائل اهل بیت پیامبر علیهم السلام را در میراث اهل سنت پیگیری می‌کردند. گویی این فهرس از زیر چشم شیخ آقابزرگ طهرانی و علامه امینی گذشته است تا الغدیری و الذریعه ای تألیف شود.

*** بیش‌ترین دغدغه مرحوم محقق چه بود؟**

می‌توان گفت هسته مرکزی تمام تلاش ایشان شخصیت امیرالمؤمنین(ع) بود. اگر کار کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی انجام می‌داد؛ اگر در کتابخانه حرم مطهر رضوی و در شهرها و کشورهای دیگر نظیر ترکیه، سوریه، عراق، یمن، انگلستان و آمریکا به کتابخانه‌ها می‌رفتند؛ همه جا به دنبال این بودند که کتابی درباره فضایل امیرالمؤمنین(ع) بیابد. کتاب‌های روایی اهل سنت که اشاره‌ای به فضائل امیرالمؤمنین(ع) داشت را در یادداشت می‌کردند. از تعبیرات ایشان در دفاع از فضائل امیرالمؤمنین(ع) و رد معاندان، کاملاً ملموس است که ایشان واقعاً عاشقانه کار کرده است.

*** اخیراً کتابی با عنوان فضائل امیرالمؤمنین با تصحیح و تحقیق مرحوم محقق منتشر شد که کتاب سال حوزه نیز نام گرفت. لطفاً راجع به این کتاب توضیحی بفرمایید.**

احمد بن حنبل کتابی با نام "فضائل الصحابه" پیرامون فضائلی که از لسان پیامبر اسلام(ص) درباره صحابه نقل شده - و در آن درباره فضائل امیرالمؤمنین(ع) نیز نوشته شده - را کتابت کرده است. از خلیفه اول شروع کرده تا عبدالله بن عباس، حتی فضائل حضرت زهرا(س) نیز در آن وجود دارد.

وی هنگامیکه این کتاب را تدوین می‌کند، فضائل امیرالمؤمنین علی(ع) جزء مهم کتاب می‌شود، چراکه هم به لحاظ تعداد که ۳۶۹ روایت بوده و هم به لحاظ سندیت و قاطعیت چشمگیر است.

«احمد بن حنبل» امام حنابل؛ سال ۲۴۱ از دنیا رفت و روایاتش را پسرش «عبدالله بن احمد» و شخص دیگری به نام «قطیعی» جمع‌آوری کرده‌اند. وقتی تعداد روایات مربوط به فضائل امیرالمؤمنین علی(ع) جلب توجه کرد، از همان سده‌های نخست از کتاب "فضائل الصحابه" جدا شد و تحت عنوان "فضائل علی" در بین عالمان و محدثان استنساخ و تکثیر گشت و عنوان مستقلی گرفت. نسخه‌های خطی "فضائل علی" هم از همان قرون کهن به صورت مستقل در آمد و در زمره آثار احمد بن حنبل کتابی جداگانه شد.

محدثین عبارت زیبایی به نقل از احمد بن حنبل بیان کرده‌اند که ما در ابتدای کتاب آورده‌ایم: «ما جاء لأحد من أصحاب رسول الله من الفضائل ما جاء لعلي بن ابي طالب رضی الله عنه». خود احمد بن حنبل است که می‌گوید: آنقدر که احادیثی پیرامون فضیلت و شأن علی بن ابی طالب (ع) آمده، نسبت به هیچ کدام از صحابه پیامبر اکرم (ص) نیامده است. هم حاکم نیشابوری که "مستدرک بر صحیحین" را نوشته و هم ذهبی که عنادش با شیعه و امامیه روشن است؛ بر این مطالب خدشه نکرده‌اند اما برخی سنی‌ها که نمی‌خواهند این واقعیت‌ها را بپذیرند این مطالب را تضعیف کرده‌اند. مثلاً در کشور عربستان سعودی همین کتاب را به صورت مستقل چاپ کرده‌اند اما در پاورقی‌ها، یکی یکی روایات و روایانش را با روشی غیرعالمانه و مغرضانه تضعیف کرده‌اند(!).

*** مرحوم محقق طباطبایی چه اقداماتی بر این کتاب انجام داده‌اند؟**

اهمیت این کتاب این است که مرحوم محقق طباطبایی تک تک احادیث آن را در پاورقی بررسی کرده‌اند. اهل سنت معاند در تضعیف حدیث گفته‌اند که این روایت فقط عبدالله بوده که از پدرش نقل کرده، اما اگر عبدالله از یکی دیگر از مشایخ غیر از احمد بن حنبل نقل کند این سندش قوی نیست. مرحوم محقق طباطبایی نیز این احادیث را از طرق دیگر تقویت کرده‌اند. تقویت این احادیث به این معنی نیست که تمام این احادیثی که احمد بن حنبل روایت کرده صحیح باشد. تعدادی روایات را مرحوم محقق طباطبایی تضعیف کرده‌اند. معنای نقد هم همین است. وقتی شما روی مطلبی پژوهش می‌کنید این طور نیست که همه را بگویید خوب است یا بد است. باید جایی که اشکال دارد را بیان کنید. غربی‌ها معمولاً پژوهش‌های جهان شرق را تأیید نمی‌کنند و آن را روشمند نمی‌دانند و طبق معیارهایی که خودشان دارند تحقیقات ما را ضعیف می‌دانند. اما خانم «زاینه اشمیتکه» از محققان بسیار فعال آلمانی و مسئول مطالعات معتزلی و شیعه در آلمان، وقتی این کتاب چاپ شد، خبر آن را در فضای مجازی عنوان کرد و تیترو زد: یک «تحقیق نمونه» در جهان اسلام.

*** در تصحیح این کتاب، از چه نسخه‌هایی استفاده شده است؟**

در تصحیح این کتاب از پنج نسخه استفاده شده است که در مقدمه کتاب معرفی کرده‌ایم. یک نسخه مربوط به قرن ششم و در یکی از کتابخانه‌های ترکیه بود، نسخه کهن دیگری از کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، نسخه ای یمنی که در تملک مرحوم علامه سید محمدعلی روضاتی قرار داشت و دو نسخه دیگر نیز نسخ کهنی از کتابخانه‌های صنعاء یمن بود.

*** مشکلات پیش روی تحقیق پیرامون این کتاب چه بود؟**

اولاً راجع به تحقیق خود کتاب باید گفت مرحوم محقق طباطبایی در بسیاری از بخش‌ها به نسخه‌های خطی ارجاع داده‌اند. الآن کتاب‌ها راحت در کتابخانه‌ها پیدا می‌شود ولی در آن زمان که ایشان روی این کتاب کار می‌کردند، کتاب‌ها در دسترس نبود و نسخ خطی را مطالعه و ارجاع می‌دادند.

ارجاع مطلب به نسخه خطی مشکل است، برخی از این کتب خطی روایی که ایشان آدرس داده‌اند هنوز هم چاپ نشده است و این‌ها حاصل تحقیقات مرحوم والد است. تحمل مشقتی که بزرگوارانی مثل علامه امینی، شیخ آقابزرگ طهرانی و مرحوم والد در آن زمان متحمل شده‌اند، بسیار ستودنی است. امروزه کارها آسان شده و به عنوان مثال تصویر برخی نسخه‌ها را روی اینترنت می‌توان بدست آورد، وسایل ارتباطی گسترش پیدا کرده است و می‌توان از طریق ایمیل با کتابخانه‌ها و محققان ارتباط گرفت. امروزه سفر کردن راحت شده است. ایشان آن روزگار با اتوبوس‌های چوبی که در نجف مرسوم بود مسافرت‌های طولانی می‌کردند. برای دیدن نسخه ای با همین اتوبوس‌ها مسافرتی طولانی تا حلب و دمشق می‌رفتند و بر می‌گشتند. شرایط آن نسل‌ها بسیار

با شرایط نسل ما متفاوت بوده است و در عین حال با همه این مشکلات، کارشان بسیار پر خیر و برکت بوده و حجم پژوهش و استحکام آن با کارهای ما فاصله بسیار زیادی دارد.

علامه امینی به ایشان فرموده بودند که شنیده‌ام یک نسخه اصلی ابن عساکر در کتابخانه ظاهریه دمشق وجود دارد و مرحوم پدر به آنجا رفتند و بعد از دسترسی به آن نسخه، سه ماه آنجا ماندند و مطالبی را که در شأن و فضائل امیرالمؤمنین بود را به خط خودشان از آن نسخه‌ها استنساخ کردند و این کارها را بعدها در قم به آسانی در دسترس محققان و مؤسسه‌های پژوهشی گذاشتند.

نسخه‌های عکسی ارزشمندی که ایشان در این سفرها تهیه کرده‌اند، همگی مبنای تصحیح و تحقیق بسیاری از کتابهایی شد که بعدها از سوی محققان انتشار یافت. ایشان برای در اختیار گذاشتن این کارها به محققان دیگر منتی نداشت، چون خودش دنبال بهانه‌ای بود تا این مطالب منتشر شود و تمام جهان، فضائل امیرالمؤمنین را بخوانند و بدانند. دنبال این بود که به هر طریقی پشتوانه عظیم و محکم تشیع، نشان داده شود.

*** تصحیح کتاب فضائل احمد بن حنبل نوشته بود، چه مقدار زمان برد؟**

این کار مربوط به سال ۱۳۵۶ شمسی و یکسال قبل از مهاجرتشان به ایران است. در همان زمان نشر این کتاب تا مرحله حروف‌چینی هم پیش رفت، اما همینطور ماند و چاپ نشد. دست نوشته‌های ایشان باقی ماند. هدف مرحوم والد از دست نوشته‌ها این بود که مقدمه جامعی برای این کتاب بنویسند.

برای بخش‌های مقدمه عنوان هم زدند ولی برخی عناوین همینطور ناقص ماند. این کتاب مقدمه‌ای به نام «الفضیلة والفضائل» دارد که هر کس بعد از چاپ کتاب این مطلب را خواند به هیجان آمد. ایشان تحت این عنوان، چنین بحث می‌کند که اساساً فضیلت به چه معناست؟ فضیلت انسان به چیست؟ و بعد ادامه می‌دهند که تمام این فضائل در امیرالمؤمنین بود و علی علیه السلام مورد ستایش تمام ملت‌های دنیا هستند.

در ادامه این مطلب آمده که حتی با وجود اینکه حضرت رسول(ص) شخص اول جهان اسلام است ولی آثاری که در مورد امیرالمؤمنین علی(ع) نوشته می‌شود بیشتر است - که قبول این مطلب شاید برای عده‌ای سخت باشد - سپس در این مقدمه شرح می‌دهند که با این همه فضائل که یک شخص در اوج است، چه بلایی بر سر جهان اسلام آمد که نتوانستند فضائل امیرالمؤمنین(ع) را بگویند؛ تا بعد از ۲۰۰ سال که احمد بن حنبل بیاید و این فضائل را بازگو کند.

احمد بن حنبل روایتی دارد که شخصی بسیار به امیرالمؤمنین نزدیک بود ولی از ترس بنی امیه حتی نمی‌توانسته حدیثی را که بسیار معروف بوده روایت کند(!).

*** بازتاب این کتاب در دیگر کشورها چگونه بوده است؟**

برای برخی محققان آلمان، فرانسه، انگلستان و دیگر کشورها این کتاب را فرستادیم که خیلی برایشان اعجاب آور بود. اول اینکه اغلاط چاپی کتاب بسیار کم است و همیشه کتب دارای اغلاط چاپی هستند. حتی از تایپند که کشوری بودایی است با ما تماس گرفتند و ۵۰ نسخه درخواست کردند. من با خودم گفتم خدایا چه کسانی در تایپند این کتاب را می‌خوانند؟! و این همه در حالی است که ما کاری در جهت معرفی این کتاب به طور کامل انجام نداده‌ایم.

این کتاب در زمستان سال ۱۳۹۱ در تهران جایزه کتاب فصل را گرفت و امسال هم به عنوان کتاب سال حوزه نیز برگزیده شد.

*** ظاهراً حضرت عالی در معرفی این کتاب مقاله‌ای نیز نوشته‌اید؟**

بزرگداشتی با عنوان "حامیان نسخ خطی" برای مرحوم محقق طباطبایی از سوی کتابخانه ملی در آبان ماه ۹۲ در تهران برگزار شد. در ویژه نامه آن بزرگداشت، چند صفحه راجع به فضائل نوشتنم که به چاپ رسید.

*** چرا کتابخانه و آثار مرحوم سید عبد العزیز طباطبایی اینگونه محل توجه خواص و اهل تحقیق است؟**

مرحوم والد به لحاظ وضعیت شغلی (محقق و کتاب شناس) که داشتند؛ چنانچه کتابی را مفید برای مکتب اهل بیت (ع) تشخیص می دادند، آن را تهیه می کردند و به همین جهت کتابخانه ای غنی به لحاظ کتب برگزیده داشتند. به خاطر دارم هرگاه ایشان کتاب جدیدی - مثل کتاب "المنهل الصافی" - می آوردند؛ صبح آن روز حضرات آیات حاج آقا موسی شیرازی، حاج آقا رضا استادی و آقا شیخ جعفر سبحانی که همگی از اعلام حوزه هستند؛ به منزل ما سر می زدند که کتاب را تورق کنند. کتابخانه شخصی ایشان محل آمد و رفت بسیاری از بزرگان و محققان حوزه و دانشگاه بود. همچنین ایشان این کتابها را در ضمن مطالعه تصحیح می کردند. مثلاً کتاب کشکول شیخ بهایی یک کتاب معمولی است، همه جا هم در دسترس است ولی مرحوم والد این کتاب را تصحیح کرده و قسمت هایی تعلیقه زده است. اهمیت این کتابخانه صرفاً به این نیست که کتب منحصر به فردی داشته باشد، اهمیت کتابخانه به این است که ایشان کتب را حاشیه زده اند، خط به خط خوانده اند و مطالبی بر آنها افزوده اند. مثلاً کتب منابع اهل سنت را یک بار کامل خوانده اند و مطالب را تحقیق کرده اند. ایشان کتبی مانند معجم کبیر طبرانی؛ مصنف ابی شیبه، مصنف عبدالرزاق و دیگر کتب را کامل خوانده اند و یا حتی کتب تراجم مانند تهذیب الکمال که ۲۷ جلد قطور است را کامل خوانده اند و با مداد هر مورد را تعلیقه زده اند. نظر به اهمیت این کتابها، آیت الله العظمی سیستانی بعد از فوت مرحوم والد دستور دادند که کتابخانه ایشان به کتابخانه عمومی تبدیل شود تا مورد استفاده همگان قرار گیرد.

مرحوم محقق طباطبایی سال ۷۴ از دنیا رفتند و یک سال بعد این کتابخانه دایر شد. مدیریت این کتابخانه با جناب آقای سید علی طباطبایی اخوی بنده است که با هم همکاری می کنیم تا آثار مرحوم والد احیا شود.

همچنین حدوداً دو سالی است که بنیادی با نام "محقق طباطبایی" را ثبت و راه اندازی کرده ایم که متکفل آثار ایشان باشد. در اولین گام، کتاب فضائل امیرالمؤمنین (ع) را تبرکاً انتخاب کردیم تا به عنوان اولین سلسله این مجموعه باشد و بقیه را در شماره های بعدی به صورت سلسله آثار به چاپ برسانیم.

*** در پایان، تحفه ای از منابع مرحوم والد به ما هدیه بفرمایید.**

ایشان به نقل از علامه امینی می فرمودند: «ما صاحب داریم»، این بدین معناست که نباید به مشکلات فکر کنیم، بلکه می باید تمام ذهن را به سوی هدفمان متمرکز نماییم و با نیت خالص پیش برویم. هر شخص تا نهایت توان خود که از دستش بر می آید باید برای مذهب انجام دهد و به هیچ بهانه ای نباید کوتاهی کنیم. همین!

منبع: خبرگزاری حوزه